

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال مایع علوم انسانی

# ایران شناسی

- تازه‌ها و پاره‌های ایرانشناسی (۱) / ایرج افشار
- برابری فرهنگی ایرانیان و تاجیکان / صدرالدین عینی
- نکته‌ها و تازه‌های فرهنگی و تاریخی ... / رحیم مسلمانیان قبادیانی
- بینوایان در وطن غریب (۱) / دکتر محمدابراهیم یاستانی پاریزی

### محمدتقی دانش‌پژوه در فرانسه

از شارل دوفوشه کور در شماره اول جلد دویست و هشتاد و پنجم (۱۹۹۷) مجله «ژورنال آزیاتیک» (صفحات ۲۳-۳۰) مقاله‌ای بسیار مؤثر، پراطلاع، و با علاقه‌مندی بی‌خدا دربارۀ محمدتقی دانش‌پژوه به چاپ رسیده است. او نوشته است دانش‌پژوه مصحح بزرگی در نشر متون فارسی و عربی، کتابشناسی بی‌قرین، مورخی در قلمرو متن‌شناسی، متخصص جهانی در فهرست‌نگاری نسخ فارسی و عربی بود. فهرست‌نگاری نسخ فارسی و عربی  
دانش‌پژوه سالی چند بود که در انجمن آسیایی فرانسه عضویت افتخاری یافته بود.

### نسخه‌های خطی بیلی

سرها ولد بیلی استاد نامور زبان سانسکریت در دانشگاه کمبریج که در شناخت و شناساندن زبانهای باستانی ایران مقالات و کتابهای مهم دارد در ۱۹۹۶ درگذشت. او متولد سال ۱۸۹۹ می‌بود.

بیلی هفتاد و دو جلد کتاب خطی فارسی داشت که خانم ماریا زوپه M. Szuppe فهرستی مقدماتی از آنها در مجله «ایران»، جلد سی و پنجم (۱۹۹۷) منتشر کرده است. نسخه‌های تاریخدان مجموعه عبارتست است از:

– مثنوی معنوی در به خط فخرالدین احمد مورخ اول ذی القعدة ۱۰۲۰ در هرات

– مطلع الانوار امیر خسرو و دهلوی مورخ ۱۱ شعبان ۱۰۲۴

– دیوان حافظ به خط شهاب‌الدین عبدالله مورخ ۹۸۰

– روضة الصفا، مجلدات چهارم تا هفتم مورخ ۱۱۰۱

– خلاصة الاخبار از خواندمیر مورخ ۱۲ جمادی الاولی ۱۰۵۲

نسخه‌های دیگر را خانم زوبه ذیل طبقه‌بندی موضوعی معرفی کرده است.

تاریخ و انشاء: روضة الصفا (سه نسخه) – خلاصة الاخبار – تاریخ فرشته (دو نسخه) –

مکاتبات علامی مورخ ۱۵ شعبان ۱۰۶۷ – مکاتبات علامی (دو نسخه دیگر) – جامع القوانين از خلیفه شاه محمد – انشاء هرکرن.

شعر و نثر: شاهنامه (دو نسخه) – خلاصة شاهنامه توکل بیک مورخ ۸ ربیع الثانی ۱۲۲۸

ممره با وقایع عالمگیری – انوار سهیلی مورخ ۱۴ شعبان سال ۳۵ اورنگ زیب مطابق ۱۱۰۳ –

انوار سهیلی (بی تاریخ) – عیار دانش – جوامع الحکایات (بخشی از آن) – مجموعه حکایات

مورخ ۲۰ شعبان ۱۰۶۶ به خط محمدسعید – ملاحظت مقال از دلپت‌رای مورخ ۲۱ صفر ۱۲۴۷

– احوام حاتم طائی مورخ ۷ شعبان ۱۱۹۷ – بهار دانش مورخ ۱۲۳۲ – تحفة العراقین مورخ

ربیع الثانی ۱۲۴۴ – حدیقة الحقیقة سنائی – یوسف و زلیخای نظام هراتی مورخ ۶

جمادی الثانی ۱۱۶۴ – اسکندرنامة نظامی مورخ ۲۷ رجب ۱۲۳۳ – اسکندرنامة و هفت پیکر و

لیلی و مجنون – منطق الطیر عطار مورخ ۲۲ محرم ۱۰۹۹ به خط فخرالدین بن میرزا محمدبن

میرزا آقاموسوی مشهدی – منطق الطیر (بی تاریخ) – مثنوی معنوی (بی تاریخ، چهار نسخه) –

بوستان خط مصطفی مورخ دهم صفر – اسپ‌نامه در سی و هشت باب – بوستان مورخ ۸ رمضان

۱۰۰۰ – گلستان مورخ ۱۲۸۲ – کلیات سعدی (بی تاریخ) – قران السعدین امیر خسرو دهلوی

(بی تاریخ) – مثنوی میرحسن دهلوی (بی تاریخ) – دیوان حافظ (بی تاریخ، سه نسخه) – دیوان

صائب همراه دیوان حافظ و دیوان ناصرعلی مورخ ۲۵ ذی القعدة ۱۰۸۸ – بهارستان جامی

مورخ ۱۳ ربیع الاول ۹۹۵ – یوسف و زلیخای جامی مورخ ۲۸ ربیع الاول ۱۲۲۱ – ده مجلس

(روضه الشهداء) واعظ کاشفی مورخ ۱۶ محرم ۱۱۴۱ – نل و دمن فیضی دکنی مورخ

جمادی الاولی ۱۱۴۲ – دیوان کلیم کاشانی مورخ ۱۵ رمضان ۱۱۱۲ – آثار طغرلی مشهدی

(بی تاریخ، دو نسخه) دیوان وصال شیرازی مورخ محرم ۱۲۵۰ – خمسة شیخ یعقوب صیرفی

(بی تاریخ) – خسرونامه (ناشناخته)

لغت و دستور: فرهنگ رشیدی مورخ ۱۴ رمضان ۱۱۴۳

متفرقه: کیمیای سعادت (بی تاریخ) – مهابارات – شرح مثنوی مورخ صفر ۱۱۲۷ – اخلاق

### خاورمیانه و دریای هند

ژان اوبن، ایرانشناس نامور فرانسوی در سال ۱۹۸۴ نشریه‌ای را به نام *Moyen Orient et Océan* (*XVI<sup>e</sup>-XIX<sup>e</sup>s*) برای نشر مقاله‌های تاریخی تحقیقی که مرتبط به قرون یازدهم تا سیزدهم هجری باشد، بنیاد گذارد.

چون مجلدات پنجم به بعد آن را ندیده بودم و معرفی از آن شماره‌ها را در جایی ندیده‌ام اینک که آنها را در مؤسسه خاورشناسی دانشگاه آکسفورد یافته‌ام به آوردن فهرست آنها برای آگاهی علاقه‌مندان می‌پردازم (مقاله‌هایی که ارتباط با ایران دارد).

#### 5 (1988)

Jean Aubin: *L'avènement des Safavides reconsideré*, 1-130

#### 6 (1989)

Willem Floor: *The Decline of the Dutch East Indies Company in Bandar Abbas (1747-1759)*:

45-80

#### 8 (1994)

Gérard Duverdiere: *Propagande protestante en langues Orientales aux XVII<sup>e</sup> et XVIII<sup>e</sup> siècles*:

1-33

M. Gharavi: *Un médecin des Lumières Simon de Vierville et son voyage en Perse*: 35-155

Willem Floor: *The Dutch on Khark Island: The end of an era. The Baron von Kniphausen's adventures*: 157-202

جلد نهم این مجموعه در دو مجلد مخصوص نشر استاد Raphaël du Mans است. او یکی از مبشرین مسیحی بود که در قرن هفدهم از فرانسه به ایران آمد. این کتاب با اهمیت را فرانسویس ریشارد Francis Richard تألیف کرده است و از آن کتابهایی است که باید امید ورزید هرچه زودتر به فارسی ترجمه شود.

رافائیل دومانس کتابی مهم تألیف کرد که پیش ازین به اهتمام شارل شفر Charles Schefer در سال ۱۸۹۰ در پاریس انتشار یافته است به نام: *Estat de la Perse en 1660*.

جلد اول (۳۱۸ صفحه) از مجموعه عرضه شده توسط فرانسویس ریشارد حاوی سرگذشت رافائل دومانس و نامه‌های اوست (چهل و سه نامه میان سالهای ۱۶۵۹ تا ۱۶۹۴). کتاب مملو از یادداشتهای توضیحی به قلم فرانسویس ریشارد است. کمتر مطلب و عبارتی است که از یادداشتی

دلپذیر عاری باشد.

جلد دوم حاوی متن کتاب «Estat» (صفحه ۱-۲۰۰)، خاطرات دربارهٔ زوزوئیته‌ها در حدود سال ۱۶۶۲ (صفحه ۲۰۱-۲۵۸) از آرشیو میسیونرهای خارج، وضع ایران در سال ۱۶۶۵ (صفحه ۲۵۹-۲۷۸) از روی نسخهٔ ۱۱۴ کتابخانهٔ ملی، بندی دربارهٔ ایران سال ۱۶۸۴ از روی نسخهٔ 2921 Sloane کتابخانهٔ بریتانیا (صفحه ۲۷۹-۳۸۱). اصل آن به زبان لاتینی است و ریشارد آن را به فرانسه ترجمه کرده است.

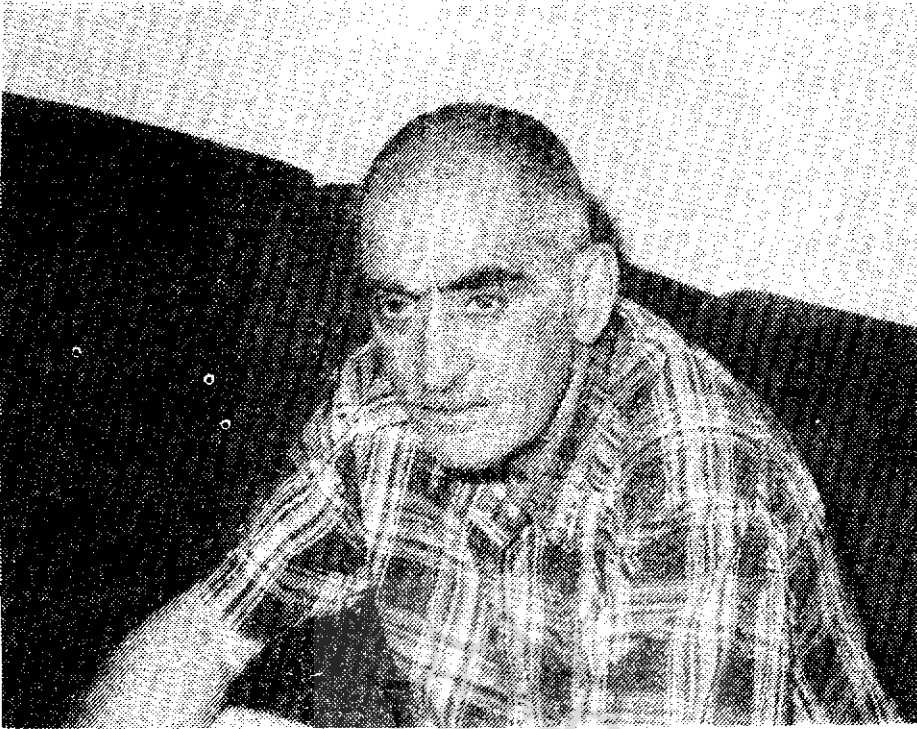
### ایران‌شناسی در ژاپون

دوست فاضل عزیزم آقای ایرج پارسی‌نژاد که اینک استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه زبانهای خارجی توکیوست مقالهٔ جامع خوش طرحی دربارهٔ فعالیت‌های ژاپونی‌ها در رشتهٔ ایران‌شناسی نوشته است که در دفتر هفدهم «پژوهشگران» (نشریهٔ پژوهشکدهٔ علوم انسانی) به طبع رسیده است ولی تاکنون ندیده بودم. آن را در شمارهٔ دوم تابستان ۱۳۷۶ مجلهٔ گلستان چاپ امریکا خواندم (که از پژوهشگران نقل شده است) تا دقیق‌تر بر معایب و نقایصی که در سلسله مقالهٔ «قلم‌اندازهای سفر ژاپون» خود دربارهٔ ایران‌شناسی که در مجلهٔ یغما (حدود بیست‌وهفت سال پیش چاپ شده بود) آگاه شوم. البته از اطلاعات مقالهٔ دوست عزیز بهره‌وری یافتیم. همه کسانی که می‌خواهند از جریان ایران‌شناسی در ژاپون آگاهی پیدا کنند حتماً می‌باید بدان بنگرند. شاید همین مقاله در مجلهٔ ایران‌شناسی چاپ امریکا هم چاپ شده باشد.

ایشان در پایان مقالهٔ خود از حیث آنکه خوانندگان (طبعاً ایرانیان و بالاخص فارسی‌زبانان) بر مطالب دیگری در همین موضوع آگاه شوند تنها مشخصات دو نوشته به زبان انگلیسی را آورده‌اند و فراموش فرموده‌اند (یا بی‌خبر بوده‌اند) که نامی از مقاله‌های متعدد هاشم رجب‌زاده پیشگام درین زمینه بیاورند. پس بنده از باب گزاردن حقوق زحمت و رنج و ابتکار رجب‌زاده که ثمرهٔ کارش مقالات متعدد در مجله‌های آینده و ایران‌شناسی و کلک بوده است این یادآوری را مناسب دیدم.

آقای رجب‌زاده در دانشگاه ازاکا (ژاپون) تدریس زبان فارسی می‌کند و شاید بیش از پانزده سال است که این خدمت را پیش‌ویش برعهده گرفته است.

در نوشته‌های او، مخصوصاً گزارش‌هایی که منظم‌اً دربارهٔ کنگره‌های ژاپنی شرق‌شناسی می‌فرستاد، همواره یاد ایران‌شناسان و کار آنان در میان بود. جزین مقداری از مقاله‌های معاریف ایران‌شناسان مانند ایموتو، هاندا، اکازاکی، کورویاناگی، اکادا و دیگران را به فارسی ترجمانی و در مجله‌های آینده و کلک به چاپ رسانید. من بنده سالهاست از ایشان خواسته‌ام برای نمودن ذوق



و فهم و سهم این ملت در زمینهٔ ایران‌شناسی ده پانزده تایی از مقاله‌های کاملاً علمی و پژوهشی آنها را در مجموعه‌ای یکدست گردآورد تا در ایران به چاپ برسد.

### فهرستهای رجال بامداد

هر یک از مجلدات کتاب ارزشمند مهدی بامداد موسوم به شرح حال رجال ایران فهرستی دارد از اشخاص، اماکن، طوایف و کتب و روزنامه‌ها. کسی که می‌خواهد مطلبی را در کتاب بیابد ناچارست که به فهرستهای هر شش مجلد مراجعه کند. یعنی شش بار باید دورهٔ کتاب را بگشاید. جز این، اشکال عمده با فهرست اعلام اشخاص کتاب این است که مستخرج فهرست ضابطهٔ معین و یک نواخت و با اسلوبی برای کار نداشته است. در نتیجه اغلب، همهٔ اطلاعات نصیب مراجعه‌کننده نمی‌شود و چون معمولاً از حیث ارجاعات از نام اشخاص به لقب، عنوان، نسبت و بالعکس عاری است مراجعه‌کننده سردرگم می‌شود. مثال می‌زنم.

اولیا سمیع خطاطی بوده است که غالباً به همین عنوان شهرت دارد و کمتر کسی است که نام زادمانی او را بداند تا او را ذیل محمدحسین اولیا سمیع بیابد. عمادالسلطنه فاطمی همینطور. چه کسی نام زادمانی او را می‌داند تا به دنبال مهدی برود. می‌بایست در فهرست ذیل عمادالسلطنه و فاطمی می‌آمد و از یکی به دیگری ارجاع داده می‌شد.

میرزا محمدحسین فروغی ذکاءالملک نه ذیل فروغی آمده و نه ذیل ذکاءالملک. باز به سلیقه بامداد او را باید به نامش محمدحسین یافت. حتی علی اصغر حکمت هم ذیل علی اصغر آورده شده است و دهخدا ذیل علی اکبر.

البته بامداد اساس کتاب خود را بر نام زادمانی رجال گذاشته. شاید درین مورد حق با او بوده است ولی در فهرستها که برای راهنمایی و آسانی مراجعه است می بایست آن کلمه‌ای که شاخصیت دارد و در اذهان بطور غالب شناخته شده است آورده شود. همانطور که اشاره شد این کتاب کتابی است ماندگار و از مراجع دائمی و اساسی در تحقیقات تاریخی و ادبی مربوط به قرون دوازدهم تا چهاردهم. بنابراین ضرورت دارد صاحب همتی پیدا شود (از جمله یکی از دانشجویان دوره کتابداری) و به اسلوب درست سراسر کتاب را بخواند و خود به استخراج فهرست جدید با رعایت موازین مذکور در ذیل بپردازد و ناشر کتاب هم چنین فهرستی را به جای فهرستهای پایانی شش مجلد در یک مجلد خاص به چاپ برساند. طبعاً پس از آن ضرورت نخواهد داشت اوراق پایانی شش مجلد که حاوی فهرستهاست در آنها چاپ شود. از حیث مصرف کاغذ هم تفاوت حاصل نمی شود بلکه ممکن است صفحات کمتری را دربر بگیرد زیرا نامهایی که احتمالاً در هر شش مجلد هست در یکجا می آید و اعداد مربوط به آنها به دنبال هم قرار می گیرد.

موازیاتی که می باید رعایت شود:

— حتی المقدور آوردن لقب، شهرت، نام خانوادگی. اگر در نامی همه آنها جمع باشد و یا کسی دارای چند لقب بوده است می باید یکی را اساس قرار داد و از دیگر شقوق به آن نام اساس مراجعه داد.

— در آوردن زوائد عارضی بر نامها مانند میرزا، سید، ملا، حاجی، شیخ، آقا و نظایر آن پیش از اسم، خودداری کرد و هر یک از آنها را داخل پرانتز و پس از نام قرار داد. در مواردی خاص که اجبار به نگاه داشتن هر یک از آنها باشد از قبیل شیخ بهایی باز لازم است از یکی به دیگری ارجاع داده شود.

— نامهایی که در دنبالشان نسبت به شهر و محل (مثل آشتیانی)، نسبت به طایفه و قوم (مثل قوانلو قاجار)، سمت و منصب (مثل مستوفی، آجودانباشی)، نسبت به مذهب (مثل شیخی، حنفی) هست و از لقب یا شهرت عاری است ذیل نام زادمانی آورده می شود. ولی ضرورت دارد که نام شهر یا طایفه مربوط به آنها به طور ارجاعی در جای خود آورده شود.

## کتاب المفاوضة

تألیف ابوالحسن علی بن محمد بن نصر الکاتب (۳۷۲-۴۳۷) از کتابهایی است که هنوز نسخه‌ای از آن به دست نیامده و احسان عباس توانسته است بندهایی را از آن بیابد و در کتاب «شذرات من کتب مفقودة فی التاریخ» (بیروت ۱۹۸۸) چاپ کند. مؤلف آن را به نام خسرو فیروز حاکم واسط تألیف کرده و از بندهای یافته شده توسط احسان عباس نیک مشهودست که آن کتاب برای تاریخ دوره آل بویه بسیار مآخذ مهمی است. در همین اجزاء به دست آمده اطلاعات مفید مختصری درباره بهاءالدوله پسر عضدالدوله، نوروز (ص ۲۹۶)، سیف‌الدوله، و کتابخانه بهاءالدوله در شیراز نقل شده است.

## فن دبیری

The Chancellery and Persian Epistolography under the Mughals. By Momin Mohiuddin.

Calcutta, Iran Society, 1971. 265 p.

مطالعه‌ای است درباره انشاء، دارالانشاء و منشی براساس مکتوبات و اسناد دوره بابر تا شاه جهان.

بخش اول درباره وضع دارالانشاء و کار منشی و فرق میان فرمان و حکم و طرز توقیع احکام و پروانچه‌هاست.

بخش دوم معرفی مجموعه‌های انشاء است: بدایع الانشاء از حکیم محمد یوسف هراتی (تألیف ۹۴۰)، منشآت از میرابوالقاسم خان نمکین (تألیف ۱۰۰۶)، انشاء ابوالفضل در دو بخش مکاتبات علامی (تألیف ۱۰۱۵) و رقعات ابوالفضل (تألیف ۱۰۳۵)، لطیفه فیضی (تألیف ۱۰۳۵)، انشاء نورالدین محمد عبدالله (تألیف ۱۰۳۷)، انشاء خانه زادخان فیروز جنگ، انشاء باقرخان، زبده الانشاء (تألیف ۱۰۲۷)، انشاء هرکرن، انشاء ابوالبرکات منیر (تألیف ۱۰۵۰)، منشآت برهمن چند رابهان (تألیف ۱۰۶۷).

## • آمیزه سیاست و ادب •

در تاریخ ایران، بعضی از وزیران مشهور ادیب و دانشمند و صاحب تألیف بوده‌اند مانند ابن سینا، خواجه نظام‌الملک طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، امیر علیشیر نوائی. اما این خصوصیت در وزرای دوران صفوی به بعد دیده نمی‌شود، تا اینکه پس از استقرار مشروطیت عده‌ای از صدور و وزیران و صاحبان مناصب سیاسی مهم از کسانی بوده‌اند که در زمینه‌های ادبی و فرهنگی مقام و اعتباری داشته‌اند مانند ابوالقاسم ناصرالملک



همدانی (مترجم)، حسن مشیرالدوله (مورخ)، حسن وثوق الدوله (حکمت‌شناس و شاعر)، احمد قوام‌السلطنه (منشی و خوشنویس و شاعر)، مهدیقلی مخبرالسلطنه (مورخ و ادیب و شاعر و موسیقیدان)، محمدعلی ذکاءالملک (محقق و فلسفه‌دان)، محمد مصدق‌السلطنه (مؤلف کتب حقوقی)، سیدحسن تقی‌زاده (محقق فرهنگ پیش از اسلام و گاهشماری)، ابراهیم حکیم‌الملک (مؤلف لغتنامه پزشکی)، حسین ادیب‌السلطنه (ادیب و شاعر)...

### تازه‌های نسخه خطی Nouvelles des Manuscrits

شش سال است که پژوهشگاه تاریخ متون (پاریس) به انتشار تشریه‌ای به نام «تازه‌های نسخه‌های خطی خاورمیانه» پرداخته است.

در شماره ۲ سال پنجم (دسامبر ۱۹۹۶) این نسخه‌های فارسی معرفی شده است (به ترتیب مخصوصی که دارند. برای هر نسخه‌ای یک برگ اختصاص می‌دهند و عکس صفحه رقم را چاپ می‌کنند).

— کلیله و دمنه خط محمدبن محمدبن عمر ملقب به حلال و معروف به ابن‌الکمال خطاط در جمعه ۱۵ صفر ۶۶۱ (کتابخانه «بدمر» در ژنو)

— مجالس و سعدی‌نامه (بوستان) و گلستان، مورخ صفر ۷۲۰ خط عبدالصمدبن محمدبن محمودبن خلیفه‌بن عبدالسلام البیضاوی (که در معرفی به اشتباه Bayrani آمده) - کتابخانه بدمر.  
— جنگ اشعار که چون در پایانش آمده «تمت المجموعه الشریفه...» نام آن را مجموعه الشریفه دانسته‌اند (!)، ولی اینجا جنبه وصفی دارد نه اسمی. خط نعیم‌الدین الکاتب در ربیع‌الثانی ۸۸۸ - کتابخانه بدمر

— خمسه نظامی، خط شیخ محمدفخرالدین احمد الکاتب مورخ ۸۸۹ تا ۸۹۷

— مهر و مشتری عصار تبریزی، خط قوام شیرازی مورخ ۸۹۵

— دیوان عبدالرحمن جامی، خط محمد فخرالدین احمد مورخ شعبان ۹۰۳.

### مجلة عالم المخطوطات والنوادير

این مجلد سالی دوبار چاپ می‌شود و ضمیمه‌ای است بر مجله «عالم‌الکتب». ناشر کتابخانه عمومی ملک عبدالعزیز در ریاض است و «رئیس‌التحریر» آن یحیی محمودبن جنیدالساعاتی.

### كرسى دانشگاهی سلطان سلیمان قانونی

شنیدم ترکها یک میلیون دلار جمع و جور کرده و به دانشگاه شییکاگو داده‌اند که یک کرسی

تازه به اسم سلطان سلیمان قانونی برای گسترش مباحث ترک‌شناسی در آن دانشگاه تأسیس شود. از ممر بهره حاصل از این مبلغ حقوق استاد پرداخت خواهد شد.

در امریکا صدها ایرانی زندگی می‌کنند که می‌توانند از محل اندوخته‌های همراه آورده (یعنی از ایران به در برده) و حتی از محل درآمدهای کاری خود در امریکا (مانند پزشکان بسیار سرشناس ایرانی) می‌الفی را به چنین کارهای ملی تخصیص بدهند که ماندگاری و بنیادی باشد. البته بعضی از ایرانیان و جوهی را به بعضی کارهای انتشاراتی و تبلیغاتی و فرهنگی کم‌مایه و بی‌پایه و ناماندگار تخصیص می‌دهند که هر یک پس از انتشار دفتری یا پس از برگذاری مجلسی باد هوا و از یادها فراموش می‌شود. بیگمان نیت و کار مرحوم فریدون سودآور که مبلغی قابل در اختیار دانشگاه اکسفورد برای مطالعات ایرانی گذاشت ثمره‌ای پایدار دارد و برای او «عمر باقی» است.

### خوزستان در مقاله دانشمند عرب

از عبدالحمید حسین محمود حموده استاد تاریخ دانشگاه خرطوم مقاله‌ای با عنوان «الحیة الاقتصادية فی خوزستان فی العصور العباسیة ۶۵۶-۷۴۹» دیدم که مفصل و مبتنی بر مآخذ معتبر اصلی قدیم و در سه مبحث است: موارد مربوط به خراج و جزیه - زراعت - صناعت (پارچه - شکر - آهن) - تجارت (بازارها و شهرهای آن - و امور صادرات و واردات). این مقاله در مجله «التاریخ والمستقبل» (شماره دوم جلد سوم - ۱۹۹۳) نشر شده است (صفحات ۸۷-۱۴۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ریزه‌بینی و تازه‌یابی

یکی از خصائص پژوهندگان در رشته‌های شرق‌شناسی توجه به تازه‌یابی و ریزه‌بینی است. معمولاً می‌گردند و می‌جویند تا نکته‌ای را که می‌خواهند عرضه کنند به نوعی تازگی داشته باشد. به‌طورمثال این روزها دو مقاله دیدم یکی درباره‌ی شیخ کججی و دیگری در خصوص مطربی سمرقندی. مشخصات آن دو برای علاقه‌مندان به موضوع آورده می‌شود.

#### Leonard Lewisohn

Palasi's memoir of Shaykh Kujuji, a Persian Sufi Saint of the Thirteenth Century. Journal of Royal Asiatic Society. Third series, vol.6 part 3 (1996): 345-366

#### Richard Foltz

Two Seventeenth-Century Central Asian Travellers to Mughal India. Journal of Royal Asiatic

معرفی دو سفرنامه است یکی به نام خاطرات مطربی سمرقندی (کراچی ۱۹۷۷ توسط عبدالغنی میرزایف) و دیگری بحرالاسرار فی مناقب الاخیار از محمود امیرولی که توسط ریاض الاسلام در کراچی ۱۹۸۰ چاپ شده است.

### فروش ورقی از شاهنامه

یک برگ دیگر از برگهای مصور شاهنامه مشهور شده به طهماسبی در حراجگاه ساتبی لندن به هشتصد و شصت هزار دلار به فروش رفت.

### کتابخانه سیروس غنی

سیروس غنی فرزند دکتر قاسم غنی یکی از کسانی است که مدت سی و پنج سال به گردآوری کتابهای خارجی درباره ایران پرداخت و مجموعه متنوعی درین زمینه فراهم ساخت. خود چند سال پیش فهرستی از آنها فراهم کرد و به چاپ رسانید و کوشیده بود ذیل نام هر کتاب شمه‌ای از مضامین و مطالب آن را به دست بدهد. آن کتاب بدین تام و مشخصات چاپ شده است.

Iran and the West. A Critical Bibliography. London, 1987.

در پائیز امسال، غنی مجموعه مذکور را توسط «ساتبی» در لندن به مبلغی نزدیک به سیصد هزار پوند به فروش رسانید. به حدی که شنیدم سیصد کتاب از آن میان تک تک (به مناسبت اهمیت) فروخته شد و سه هزار و سیصد تایی بقیه به طور دسته جمعی.

از دیگر مجموعه داران درین زمینه فرهاد دیباست. او هم فهرستی از قسمتی کتابهای خود را چاپ کرد. کتابهای دیبا هم در لندن نگاه‌داری می‌شد و عجب است که چند سال پیش آن مجموعه را دزدان ربودند ولی چندی بعد از چنگ دزدان به آورده شد.

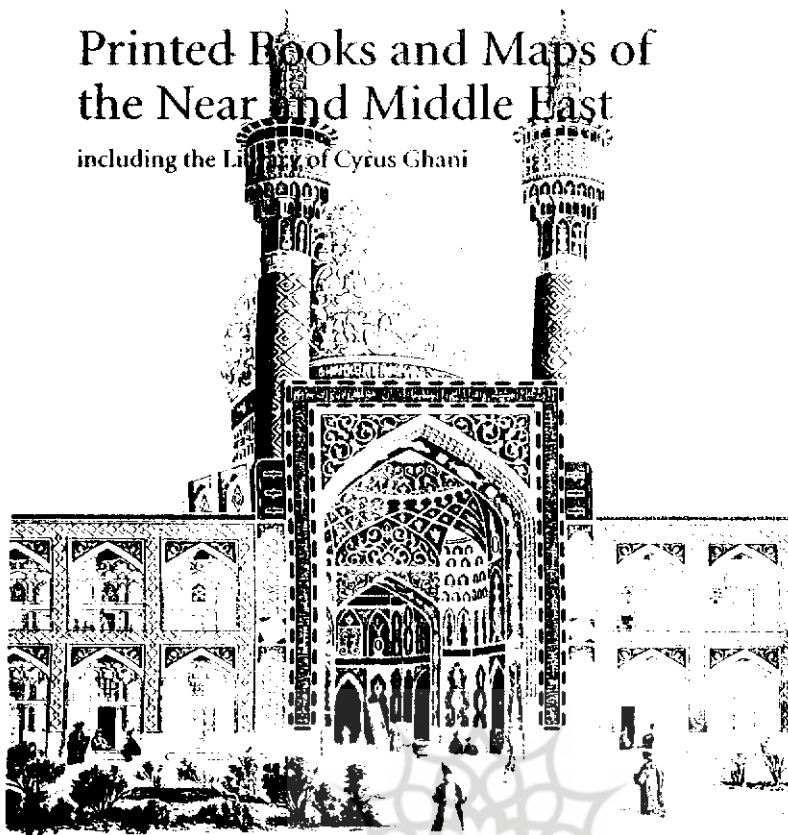
جای تأسف است که کتابخانه ملی ایران از مجموعه کتابهایی که در زبان‌های خارجی راجع به مملکت و تمدن ما نوشته شده است تعداد نسبته کمی در اختیار دارد. حق آن است که در خریداری و جمع‌آوری کتابهای ایران‌شناسی (که در دنیا هم کمیاب شده است) هرچه زودتر اقدام اساسی بشود. ورنه هرچه زمان بگذرد کار دشوارتر و بهای کتابها گران‌تر و نیاز پژوهشی و علمی کشور افزون‌تر می‌شود. کتابخانه ملی جای واقعی و اصلی و همیشگی این‌گونه ذخائر باید باشد.

### پژوهشهای صفویه

نخستین بار پژوهش‌مندان فرانسوی برای گردآوری تحقیقات کسانی که در باره صفویه تحقیق

# Printed Books and Maps of the Near and Middle East

including the Library of Cyrus Ghani



SOTHEBY'S  
Auction: Thursday 23 October 1997 at 10.30 am and 2.30 pm  
in the Aedon Hall, Bloomfield Place, London

می‌کردند حلقه‌ای در پاریس (۱۹۸۹) منعقد کردند و چون آن تجمع کاملاً تخصصی و علمی بود دنباله یافت و دانشگاه کمبریج دومین جلسه را در سال ۱۹۹۳ در آن شهر برگزار کرد. سومین حلقه صفویه‌شناسی در مهر ماه ۱۳۷۷ به دعوت بخش مطالعات اسلامی و زبان فارسی دانشگاه ادینبورگ (که اینک آندرو نیومن تصدی مدیریت آن را برعهده دارد) در آن شهر تشکیل خواهد شد.

در کنار این جریان که برای خود نظمی پیدا کرده است گروهی از محققان رشته هنرشناسی درین بهار در لندن تجمع می‌کنند. موضوع سمپوزیومشان هنر عصر صفوی خواهد بود. این مطلب را از ابوالعلاء سودآور شنیدم که خود در آن مجمع شرکت خواهد کرد. پرسیدم مبتکر کار کیست گفت یکی از متصدیان بخش اسلامی موزه بریتانیا. موجب خوشوقتی ماست که در غالب اجتماعات مربوط به تاریخ هنر اسلامی سودآور برای سخنرانی علمی دعوت می‌شود. از خانم لطیفه حقیقی آموزنده دلسوز زبان فارسی در دانشگاه UCLA (لوس‌انجلس) شنیدم که میشل مزاولی هم در دانشگاه یوتا تا دو سه ماه دیگر مجمعی درباره صفویان برگزار خواهد کرد و چون خود با نخستین تحقیقاتش درباره صفوة الصفا و تصحیح متن مذکور سالهای درازست که درباره آن طریقه و سلسله تحقیق می‌کند باید امید داشت مجمع فایده‌بخشی به وجود آید و خطابه‌هایی که مطالب تازه داشته باشد در آنجا خوانده شود.

در ورقه دعوت نوشته‌اند نام مجمع «سمپوزیوم صفویان ایران و همسایگانشان» است و خطابه‌های پانزده نفری که آنجا شرکت می‌کنند بطور اخص به یکی از موضوعات تکوین وضع مذهبی، مسائل شیعه و سنی و روابط میان صفویه با مغول هند و سرزمین ماوراءالنهر مرتبط خواهد بود.

عجیب اینجاست که این فرنگیها وقتی از عهد صفویه یعنی چهارصد پیش صحبت می‌کنند و سخن از ماوراءالنهر در میان است اصطلاح بر ساخته آسیای مرکزی را که از آن یکصد سال اخیرست می‌نویسند. اصطلاح آسیای مرکزی (میانه) آن‌چنان دامنگیر و عالمگیر شده است که گوش کسی به اصالت نام ماوراءالنهر بدهکار نیست.

از گوشه دیگر آگاه شدم در اواسط سال ۱۹۹۸ مجمعی و نمایشگاهی درباره اصفهان و صفویه به اهتمام انتشارات مزدا در یکی از دانشگاههای لوس‌انجلس تشکیل خواهد شد. این فعالیت به مناسبت آن است که چهارصد سال پیش شهر اصفهان پایتخت ایران و مرکز سلطنت صفویان از عهد شاه عباس به بعد بوده است.

### بردیهای مصری

در این ایام گزارشی Donald P. Little درباره مجموعه پاپیروسها و اوراق کاغذی و پوستهای نوشته‌دار کتابخانه Marriott در دانشگاه یوتا (امریکا) دیدم. اگرچه هنوز در قلمرو تمدن ایرانی بردی (پاپیروس) به دست نیامده است، اما چون اطلاعاتی که از بردیهای بازرگانی به دست می‌آید گویای زندگیهای قدیم است و از میان آن اطلاعات ممکن است مشابهاتی برای تاریخ ایران به دست آورد بد نیست مختصری از آن گزارش در اینجا گفته شود.

تعداد پاپیروسها (بردیها) ۷۷۷ و تعداد اوراق کاغذی و پوست و پارچه ۸۹۷ تاست. بیشتر پاپیروسها به خطوط عربی معمول مصر در قرون سوم و چهارم هجری است. بعضی هم شباهت به خطوطی دارد که در سکه‌ها و کتیبه‌های قرن دوم دیده می‌شود.

نزدیک به اکثریت بردیها از مصر به دست آمده است و بر روی بعضی از آنها نام فیوم، فسطاط، اسکندریه مضبوط است. از لحاظ شکل و اندازه شباهت دارند به پاپیروسهایی که پیش ازین در مصر پیدا شده است.

مطالب نود درصد اسناد مربوط به خانواده‌ها و زمینه‌های تجارتی است. از روی اندازه بردی و نوع کتابت و مقدار حاشیه اطراف آنها و فاصله‌های بین سطور می‌توان گفت که اسناد رسمی و دولتی هم میان آنها وجود دارد. در عده کثیری از اسناد نوشته‌هایی به زبان یونانی هم دیده می‌شود و این رویه بنا بر سابقه مربوط به پاپیروسهای مصری است.

در سال ۱۹۵۲ محقق نامدار پالتوگرافی عرب، آدولف گروهمان A. Grohmann حدس زد که تا آن زمان شانزده هزار بردی در مجموعه‌های مختلف جهان هست.

این تخمین چهل و یک سال بعد (۱۹۹۳) در کتاب محقق انگلیسی Goffrey Khan تکرار شد. او به مناسبت معرفی پایروسه‌های مجموعه ناصر خلیلی در کتاب Bill, Letters and Deeds: Arabic Papyri of the 7th to 11th Centuries به این رقم اشاره کرده است. اینک با افزوده شدن پایروسه‌ها یوتا تعداد این دسته از اسناد بشری حدود پنج درصد افزایش می‌یابد.

مجموعه یوتا تاکنون برای سندشناسان ناشناخته است. مثلاً در مقاله Papyrus از R.G. Khoury در دائرةالمعارف اسلام (جلد هفتم، ۱۹۹۵) فقط از پایروسهایی که به دانشگاه شیکاگو، فیلادلفیا و میشیگان تعلق دارد، یاد شده است.

مجموعه پایروسه‌های یوتا گنجی دست ناخورده است مخصوصاً برای پژوهشگران رشته‌های تاریخ اقتصادی و اجتماعی و کشاورزی مصر و وضع امور محضری و معاملاتی در آن سرزمین.

در اوراق و اسناد دیگری که این مجموعه نگاه‌داری می‌شود چهار تکه نوشته روی پارچه است و یکی بر پوست. این نوشته‌ها از قرن چهاردهم هجری است تا قرن سیزدهم، یعنی از آن دوره‌های فاطمی، ایوبی، مملوک و عثمانی.

### سالشمار درگذشتگان ادبی - فرهنگی

در سالهای خدمتگزاری به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران یکی از فعالتهای جنبی سودمند به منظور آشنایی دانشجویان با پیشگامان تحقیقات ادبی و فرهنگی ایران تجلیل از محققان و ادیبان و شاعران برجسته‌ای بود که در گذشته بودند و درمی‌گذشتند. درین کار دو راه پیش گرفته شد. یکی برگزاری مجالس بزرگداشت و معرفی علمی بود (بطور مثال برای مشیرالدوله - عباس اقبال - فروزانفر - سعید نفیسی - مجتبی مینوی) و دیگر نصب عکس آنان در تالار رشیدالدین فضل‌الله بود. مبنای سال درگذشت حسن پیرنیا (مشیرالدوله) قرار داده شده بود.

این عکسها سالها آویزه دیوار آن تالارها بود. دیدن آنها هم برای ایرانیان جذاب بود و هم برای ایرانشناسانی که از کشورهای دیگر می‌آمدند. برای تجدید یاد آنان فهرستی از عکسها که به ترتیب سال درگذشت صاحبان عکس نصب شده بود و از آنجا برداشته شده است در اینجا چاپ می‌شود.

البته درین فهرست نام بعضی از شاعران و ادبا نیامده است زیرا عکس آنها به دست نیامده بود مانند ابوالقاسم اعتصام‌زاده - حمزه سردادور - مجذزاده صهبا - عبدالحسین آیتی - حسین

- ۱۳۱۴ حسن پیرنیا (مشیرالدوله)  
 ۱۳۱۶ یوسف اعتصامی (اعتصام الملک)  
 ۱۳۱۸ یحیی دولت آبادی  
 ۱۳۱۸ محمد علی تربیت  
 ۱۳۱۹ هاشم انسر  
 ۱۳۱۹ محمد غفاری (کمال الملک)  
 ۱۳۲۰ میرزا طاهر تنکابنی  
 ۱۳۲۰ محمد علی کبابی (سدید السلطنه)  
 ۱۳۲۱ محمد علی فروغی (ذکاء الملک)  
 ۱۳۲۴ دکتر ولی الله نصر  
 ۱۳۲۴ احمد کسروی  
 ۱۳۲۴ فصیح الزمان شیرازی  
 ۱۳۲۶ نصرالله تقوی (اخوی)  
 ۱۳۲۸ محمد قزوینی  
 ۱۳۲۸ عبدالحمید ملک الکلامی  
 ۱۳۲۹ حسن وثوق (وثوق الدوله)  
 ۱۳۳۰ صادق هدایت  
 ۱۳۳۰ محمد تقی بهار (ملک الشعرا)  
 ۱۳۳۰ دکتر مهدی بهرامی  
 ۱۳۳۰ محمد علی بامداد  
 ۱۳۳۰ محمد علی داعی الاسلام  
 ۱۳۴۶ دکتر سید فخرالدین شادمان  
 ۱۳۴۶ احمد خان ملک ساسانی  
 ۱۳۴۷ حسین مسرور (سخنیار)  
 ۱۳۴۸ سید حسن تقی زاده  
 ۱۳۴۸ عبدالحسین سپنتا  
 ۱۳۴۸ شیخ آقا بزرگ طهرانی  
 ۱۳۳۱ دکتر قاسم غنی  
 ۱۳۳۲ حسن سمیعی (ادیب السلطنه)  
 ۱۳۳۲ عبدالرزاق بغایری  
 ۱۳۳۳ احمد اشتری  
 ۱۳۳۳ محمد علی مدرس تبریزی  
 ۱۳۳۴ علی اکبر دهخدا  
 ۱۳۳۴ عباس اقبال آشتیانی  
 ۱۳۳۸ عبدالرحیم همایون فرخ  
 ۱۳۳۸ علی اسفندیاری (نیمایوشیج)  
 ۱۳۳۸ ابوالحسن فروغی  
 ۱۳۳۹ فاضل تونی  
 ۱۳۴۰ احمد فرامرزی  
 ۱۳۴۱ محمد نخجوانی  
 ۱۳۴۱ فضل الله مهتدی (صبحی)  
 ۱۳۴۲ دکتر موسی عمید  
 ۱۳۴۳ احمد بهمنیار (دهقان)  
 ۱۳۴۳ دکتر محمد ابراهیم آیتی  
 ۱۳۴۴ اسمعیل امیرخیزی  
 ۱۳۴۴ سید محمد صدر هاشمی  
 ۱۳۴۴ عبدالعظیم قریب  
 ۱۳۴۵ سعید نفیسی  
 ۱۳۴۶ دکتر مهدی بیانی  
 ۱۳۴۷ ابراهیم پورداود  
 ۱۳۴۷ صمد بهرنگی  
 ۱۳۴۸ دکتر لطفعلی صورنگر  
 ۱۳۴۸ جلال آل احمد  
 ۱۳۴۹ اسمعیل آشتیانی

۱۳۴۹	بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۳۵۰	ذبیح بهروز
۱۳۵۰	دکتر محمد معین
۱۳۵۰	دکتر صادق رضازاده شفق
۱۳۵۴	مهدی بامداد
۱۳۵۵	مجتبی مینوی
۱۳۴۹	سید محمد فرزانه
۱۳۵۰	دکتر علی اکبر فیاض
۱۳۵۰	سید محمد طاهری شهاب
۱۳۵۳	سید کاظم عصار
۱۳۵۵	محمد علی معلم حبیب آبادی
۱۳۵۶	دکتر حسین محبوبی اردکانی

### کتاب آرائی - کتاب پردازی

لفظی است تازه ساخته. قدمت آن از سی چهل سال پیش نمی‌گذرد. به فهرست مقالات فارسی نگاه کردم دیدم آقای اکبر تجویدی آن را در عنوان مقاله خود مندرج در مجله هنر و مردم شماره ۴۹ آورده است. از قدیم‌ترین جاهاست که این کلمه را در معنی مناسب خود دیده‌ام. فاضل گرامی آقای نجیب مایل هروی از این اصطلاح استفاده کرده و عنوان کتاب خود را بدان آرایش داده‌اند. کتاب «کتاب آرایبی در تمدن اسلامی» مراد است که کتاب ارزشمند فایده‌آوری است.

آقای تجویدی کتاب آرایبی را در جای درستی آورده است زیرا مرادش راه و روش ساختن و پرداختن نسخه‌های آرایشی دارای تذهیب و ترصیع و شمشه و پیشانی و جدول و کمند و دیگر تزییناتی است که در نسخه‌های مجلل و مزین و سلطنتی و آرایشی به کار می‌رفت. اما بطور کلی در مورد همه نسخه‌های خطی و در به وجود آوردن هر کتابی که کاتبی معمولی و بدون آرایش نسخه‌ای را به وجود آورد نمی‌توان کلمه کتاب آرایبی را گذاشت. تصور می‌کنم ضرورت دارد به دنبال کلمه‌های دیگر باشیم که مفهوم هر نوع کتاب درست کردن را برساند. فعلاً بنده لفظ «کتاب پردازی» را به جای کتاب آرایبی پیشنهاد می‌کنم تا بتوان کتاب آرایبی را منحصرأ در مورد نسخ آرایشی نشانید.

### پرورش افکار و هدایت افکار

در مجله گنجینه اسناد (شماره ۲۲/۲۱) مقاله‌ای حاوی اسناد رسمی درباره سازمان پرورش افکار که در روزگار رضاشاه تأسیس شد به چاپ رسیده است اما چون ضمن آنها نامه‌ای از کانون هدایت افکار به مرحوم ساعد نخست وزیر مربوط به مهر ۱۳۲۳ چاپ شده است خواننده چنین خواهد پنداشت که کانون هدایت افکار دنباله سازمان پرورش افکار بوده است. کانون مذکور پس از شهریور ۱۳۲۰ ایجاد شد و محمود سرشار وکیل دادگستری پایه گذار و



گرداننده اصلی آن بود. ارتباطی به پرورش افکار نداشت. یادم است که مرحوم مخبرالسلطنه هدایت یک سخنرانی در آنجا ایراد کرد. مقر آن کانون ابتدا کوچه آقا قاسم شیروانی در خیابان نادری و بعدها کوچه سرشار نزدیک به میدان فردوسی بود.

### جوانشیر و کمالیان

در بهار ۱۳۷۶ که فرسنگها فرسنگ از یارانم دور بودم دو دوست دیرین و همپای کوه روی روزگاران جوانیم در تهران درگذشتند. آوای غم از دست رفتنشان از بیابانها و دریاها گذشت و در کنار آقیانوس آرام برجام نشست.

یکی علیقلی جوانشیر (خویی) بود که نعمت دوستی مهربانانه و بی غل و غش او را از عباس رزیاب خویی دارم. آن دو همدرس و همسال و همولایتی بودند و رفیق حجره و گرمابه و گلستان.

جوانشیر پانزده سالی همراه دوستانی همدل به پیشتازی متوجه ستوده جمعه‌ها (یا به قول جوانشیر در قصیده‌ای «بوم‌الزیتنه‌ها») کوهها را به کوهها می‌دوخت و دره‌ها را به دره‌ها می‌پیوست. بر ستیغ کوهها جان می‌گرفت و چون بر سر برفهای بازمانده از بهمنها گام می‌نهاد نشاطی فراتر می‌یافت. درگذر از گردنه‌های بلند چون سینه می‌افراخت بلندی قامتش در آسمان گذارها شاخص می‌بود. کنار بوته‌های گاوگوش و گون و پونه‌های جویباری آزاد و خرم می‌لمید و زبان به طنز ملایم می‌گشود. اگر گونی به آتش سوزانیده می‌شد از بوی خوش آن مستی می‌گرفت. در زیر سایه درختان سور (سرو کوهی) فرتوت برکنار مانده از ستم آدمیان می‌غنود و اگر مباحثات دوستان درمی‌گرفت او متین و باوقار مشارکتی می‌کرد. در شیب تپه‌های شنی و ریگ بوم تند می‌خرامید و جای پا را به چوبدست بلند خود استوار می‌ساخت. بر سر چشمه‌های زلال و سرد لب می‌گذاشت و آب می‌نوشید چون اطمینان داشت که آب در آن بلندیا آلوده نیست. در بهاران سیرک و والک و ساقه‌های گلپر می‌چید و کوله بارش را می‌انباشت و اگر قارچ کوهی می‌یافت می‌کند. از توت‌های خوش‌مزه و قفی که معمولاً در هر آبادی هست بی‌دریغ برمی‌گرفت و به دوستان تعارف می‌کرد. در خزان به نوک چوبدست بلندش پیازکهای موسیر را از دل خاک بیرون می‌کشید و با خود می‌برد که در شیشه ترشی بریزد. گردوهایی را که شبانه در کوچه باغها و رودبارها از پوست رها شده و ریخته بود برمی‌داشت و می‌شکست و با دوستان می‌خورد. با چشمان تیز خود کلاغ سیاههای نوک قرمز خوش پروازی را که در دل آسمان پاک دریاگون بالشان برق می‌زد و قارقارشان در کوهها می‌پیچید به دوستان می‌نمود. از دیدن بادخورکها و عقابهایی که بر چکادهای سنگی می‌چغیدند شادمانی می‌کرد. به هنگام نزدیک



شدن به گله‌ها و سیه‌چادرها خود را برای حمله آوردن سگهای چوپانی آماده می‌ساخت. دو دست را به حالتی در می‌آورد که معتقد بود سگها از آن حالت می‌رمند و دور می‌شوند. می‌گفت این ترتیب میان عشایر صفحات خوی مرسوم است. درازگویی نکنم که طبیعت‌دوست بود و در کوه و بیابان ذوقش دامنه‌وری می‌گرفت و زیباییها را یکان‌یکان درمی‌یافت.

با او به سفرهای چندین روزه به فارس و گرگان (که یاد باد ظرافتهای ادبی او در همسخنی با مصطفی مقربی و احمد اقتداری و منوچهر ستوده) و نیز بارها به راههای کوهستانی دور و دراز رفته‌ایم. پیاده از شاهرود به گرگان، پیاده از سمنان به هزار جریب و شیرگاه، پیاده از رستم‌آباد سپیدرود به دیلمان و سپس سیاهکل لاهیجان، و باز و باز. در پایان یکی از همین گونه سفرهای پیاده‌دراز آهنگ سخت بود که شعر مولانا را به مذاق خویش تغییر داد و بر دوستان خواند که حاصل گردش سه سخن بیش نیست

خسته شدم لنگ شدم سوختم

می‌گفت بی‌مناسبت نیست که عربها به ورزش می‌گویند «الریاضه».

در سالهای آغاز دوستی (حدود ۱۳۳۰) عضو وزارت بهداری بود. در بخش بازرسی خدمت می‌کرد و قصه‌ها از وضع بهداری و بهداشت تعریف می‌کرد که اگر آنها را به قلم توانا و ذوق والایش نوشته بود تاریخ مهمی می‌بود از آنچه درین زمینه بر ایران گذشته بود. از جمله، چون مدتی در اداره آمار آن وزارت‌خانه کار کرده بود می‌گفت اگرچه در دوره ادبی دبیرستان از کیفیت



۱۳۳۳ در کوه‌های البرز - دکتر عباس زریاب‌نویی - ابرج افشار و دکتر علیقلی جوانشیر



۱۳۳۵/۱/۲۵ چند قدم قبل از دیلمان - محسن مخفم - دکتر مصطفی مقربی - دکتر منوچهر ستوده - مایون صنعتی‌زاده - دکتر علیقلی جوانشیر - افتداری - ناصر مخفم و نادر افشار

مبالغه در صنعت شعر آگاه شده بودم ولی با خدمتگزاری در بخش آمار واقف شدم آنچه از مبالغه فراتر می‌رود فن آمارست. می‌گفت دریافت‌ام که بسیاری از گزارشهای اداری سراسر نادرست و ساختگی است. تعریف می‌کرد که در آن روزگاران دو سه نفری را به فارس فرستادند که به یکی از بنادر دوردست (عسلویه یا خمیر) بروند و گزارشی از بهداری آنجا تهیه کنند. آن هیأت چون به شیراز می‌رسند و وسیله‌ای نمی‌یابند که به محل مأموریت بروند در شیراز اقامت می‌کنند. اما گزارش مفصلی می‌فرستند که اوضاع بهداشت و بیمارستان و پزشکی آن بنادر چنین و چنان است. آن گزارش ساختگی مبتنی بوده است بر اطلاعاتی که در شیراز از شخصی بندری کسب کرده بودند. جوانشیر پس از اینکه تحصیلات حقوقی را در دانشگاه تهران به پایان برد خود را از خدمت در وزارت بهداری کنار کشید و به وکالت دادگستری پرداخت. خاندانش از معاریف خوی بودند که از اژان به آذربایجان هجرت کرده بودند. خود جوانشیر پیوستگی و دلبستگی به خوی داشت و در دوران وکالت دادگستری بیشتر به کارهای حقوقی همشهریانش می‌رسید.

دوست ما شاعری استوار سخن، خوش‌کلام و شیرین‌بیان بود. گاه به‌گاه سروده‌ای از خویش برای دوستان می‌خواند و به ندرت شعری را برای چاپ به مجلهٔ یغما می‌داد. چند شعرش در آن مجله چاپ شده است.

او در سرودن شعر طنز استاد بود. قصیدهٔ پنجاه‌وهفت بیتی که دربارهٔ ماشین دوسوتوی ۱۹۴۸ خود به سال ۱۳۴۳ سرود و بعدها در مجلهٔ آینده (سال پنجم) چاپ شد نمونه‌ای است از ظرافت طبع و دقت در انتخاب مضمون و قدرت بیان. چند بیتش را می‌آورم که یادگاری از هنر او درین یادداشت به ثبت افتد.

ترا چه غم که نه فرتوت گشته‌ای نه کهن  
هر آنکه بر تو نشست از بلا بود ایمن  
چو بر فراز رسی خشمگینی و توسن  
سر قبول فرو نه دم از لجاج مزین  
منم به حال تو عیناً تویی درست چو من  
ز هم‌رکابی خود با طبایع کودن  
به روغن وطن آلوده کردمت دامن  
چنان به جان تو آتش فتاد زان روغن  
ز دود تف تو چون گلخن شدی گلشن  
سیاه‌تر شدی از بال و پر زاغ و زغن  
سسواد قیر شدی میش را بیاض لبین

مخور دریغ شباب و مگو به شکوه سخن  
زعهد نوح نشی لیک همچو کشتی نوح  
چو بر نشیب رسی سر به راهی و خاموش  
اگر زبان تو بستند در معابر شهر  
چو نیک درنگری هر دو مثل یک‌دگریم  
به طبع هر دو روانیم و هر دو ناخشنود  
شگفت‌کاری من بین ز سادگی یک چند  
نصیب مؤمن و کافر مباد و دشمن و دوست  
که چون گذار تو بر طرف گلشن افتادی  
کبوتری که زدی بر فراز تو پروبال  
مشام میش گر آسوده گشتی از نفست

خطاست روغن اگر خوانمش که افیون بود همیشه تا که بود تابناک روی عروس  
 سیاهکار و جگرسوز بود و بسنیانکن دچار درد مبادی ز محنت ایام  
 همیشه تا که بود تابناک روی عروس به سیخ و میخ مبادی ز دست و پا مجروح  
 نیازمند مبادی بسه روغن میهن به دست بی سر و پایان کوچه و برزن  
 به دوریاد ترا از مسیر و پیرامن به دوریاد ترا از مسیر و پیرامن  
 که اژدها صفت افکنده پنجه در معدن که اژدها صفت افکنده پنجه در معدن  
 به چاه و چاله نیفتی چو یوسف و بیژن به چاه و چاله نیفتی چو یوسف و بیژن  
 که صیت نام تو گیرد جهان دهن به دهن که صیت نام تو گیرد جهان دهن به دهن  
 دو قصیده بلندی که درباره دو تا از سفرهای کوهستانی سرود و هر دو آمیخته به طنزها و  
 شوخیهای دوستانه و نکته‌های ظریف دلنشین است، هم از کارهای پرارزش اوست. آن دو نیز در  
 مجله آینده به چاپ رسیده است. در نقد و سنجش ادبی صاحب نظر بود و از جمله نوشته‌هایش  
 در این زمینه مقاله‌ای است محکم و دندان شکن در بررسی کتابهای درسی حدود سال ۱۳۵۰ که  
 در مجله راهنمای کتاب (سال پانزدهم) چاپ شده است. چندی هم که ذوق و حالی داشت در کار  
 «ویراستاری» صرف وقت کرد.



دوست دیگری که رفت مهدی کمالیان بود از خاندان ارباب طهرانی. کوهنورد و اسکی باز  
 بود. هنرمندی استاد در سه تار سازی و نواختن آن بود. عکاس باذوق و منظره شناس بود. خط را  
 بد نمی نوشت: در اسکی و کوهنوردی، سلیقه‌ای والا و نو در پوشیدن جامه‌های شکیل  
 فرنگی نما داشت. از این حیث میان ما که همه «جلمیر» بودیم شاخص بود. چند سالی با گروه ما  
 به گردشهای کوهستانی و جنگلی چند روزه می آمد. عکسهای ماندگاری که از منظره‌های مبهوت  
 شدنی درین سفرها گرفت همه تابناک و جذاب بود. یکی از عکسهای ابداعی و یگانه او عکسی  
 است «پانورامائی» که از سلسله جبال توچال گرفته است. این عکس که در شش قطعه است  
 نمایشگر کوههای شمال تهران از دماوند تا تپه‌های وردیج و واریج (آن سوی کن) است. امروز  
 دیگر عکس گرفتن از توچال بدین وضع و حال میسر نیست. جنگل ساختمانهای بلند حائل  
 آدمی و طبیعت شده است.

من او را ایامی شناختم که در اداره بهداشت شعبه‌ای از اصل چهار کار می کرد. در آنجا  
 سیاوش کسرایی و رضا ثقفی و سهراب سپهری و زمان زمانی و پاکدامن (پزشک) و برادر  
 (نادر) کار می کردند.

برادر مهدی، جواد آقا کمالیان در مدرسه علوم سیاسی همدرس کریم سنجابی و عبدالحمید

اعظم زنگنه و علی شایگان و محسن صبا و شاگرد پدرم بود و می‌شناختم. او پس از آن جزو محصلین اعزامی به اروپا فرستاده شد. مدتی با صادق هدایت معاشر و همدرس بود. عکسی از آن دو نزد مرحوم کمالیان دیده بودم که در فرنگ انداخته شده بود و از عکسهای خوب است. هدایت در مقدمه «اوسانه» به دوستی خود با کمالیان اشاره کرده است. جواد کمالیان در بازگشت چندی رئیس کتابخانه دانشکده حقوق بود که همدرسانش همه در آن دانشکده تدریس می‌کردند. محمدتقی دانش‌پژوه زمانی که جواد کمالیان رئیس کتابخانه بود به خدمت آنجا درآمده بود. وقتی من با مهدی آشنا شدم آقا جواد در مؤسسه ایرانشناسی وابسته به انجمن ایران و فرانسه با هانری کرین کار می‌کرد و خدمات کتابداری و تهیه میکروفیلم آنجا را برعهده داشت. آقامهدی هم که در عکاسی زبردستی داشت در گرفتن میکروفیلم به آنها کمک می‌رسانید. آقامهدی در جلسه‌های دوستانه یکشنبه که در منزل آقا جواد منعقد می‌شد و جمعی از ادبا، از جمله تا آنجا که یادم هست ادیب بجنوردی، سیدمحمد مشکوه، سیدمحمدباقر عرب‌شاهی سبزواری، محمدتقی مدرس رضوی، جعفر سلطانتقرائی، سلطانتعلی سلطانی، محمود فرهاد معتمد، جلال محدث و محمدتقی دانش‌پژوه و دکتر محسن صبا می‌آمدند، بسی وقفه حضور می‌یافت و از صحبت‌های ادبی و تاریخی لذت می‌برد و بهره‌وری می‌یافت. یگانه نوشته‌ای که از او چاپ شد «نسخه بدل‌های دیوان حافظ» (فرهنگ ایران زمین، جلد ششم سال ۱۳۳۷: ۲۰۴-۲۷۲) است. او نسخه بدل‌ها را از غزلیاتی که در حاشیه کلیله و دمنه نوشته شده و مورخ به سال ۸۱۸ قمری است (نسخه دهلی) استخراج و آنجا چاپ کرده بود.

### کتابهای فارسی در کتابخانه کنگره

درین باره نامه‌ای را که از دوست گرامی خود آقای ابراهیم پورهادی دریافت کرده‌ام چاپ می‌کنم. ایشان سی و چند سال است که در کتابخانه کنگره متصدی دلسوز کتابهای فارسی است و خدماتش درین زمینه فراموش‌ناشدنی.

### دوست بسیار گرامی ایرج افشار

نامه شما دیروز به من رسید بسیار خرسند شدم. از اینکه عمل چشم شما بخوبی انجام گرفت و حالا از نعمت علم بهره‌مند هستید بسیار شادم.

در مورد تعداد کتب فارسی سئوال فرموده‌اید. آن ۵۰۰،۰۰۰ هزار که در «مجله میراث ایران» خوانده‌اید شامل کل نشریات مجموعه فارسی کتابخانه کنگره است - فارسی - دری - پشتو - بلوچی - تاجیک - تات و اسوتیک. چون کتابخانه کنگره زبان دری - پشتو - بلوچی - تاجیک

تات و اسوتیک را در ردیف زبانهای آریائی قرار داده است.

فارسی که از ایران می‌آید البته در حدود ۳۰۰،۰۰۰ هزار است<sup>۱</sup> از این تعداد حدود ۳۰،۰۰۰ فهرست شده و بقیه به تدریج فهرست خواهد شد. در این بیست سال اخیر اغلب نشریات فارسی به صورت ماکروفیلیم و ماکروفیش فهرست می‌گردد.

کتابخانه کنگره از طرف پاکستان نشریات ایران را خریداری نموده و در همان جا آنها را ماکروفیلیم و ماکروفیش نموده و بعد می‌رسند به کتابخانه. این وسیله البته رضایت‌بخش نیست چون طول می‌کشد تا پاکستانیها از ایران نشریات ایران را خریده بعد بفرستند به کتابخانه. ولی چاره نیست. کتابخانه با چند نفر پاکستانی قرارداد بسته و این کار ادامه خواهد داشت تا روابط ایران و امریکا برقرار گردد.

تعداد کتب خطی فارسی که سالهای پیش از هندوستان خریداری شده‌اند در حدود دویست است مانند سعدی - حافظ - رومی. اغلب این گونه کتب خطی دارای تاریخ نیست ولی از کاغذ و طرز خط آنها معلوم است که اغلب در قرن ۱۸ میلادی نوشته شدند و چند عدد دیگر در قرن ۱۷ و بطور کلی اغلب به سبک هندی است. به علاوه اینها در حدود هفتاد کتب سفرنامه‌ها داریم. بعضی‌ها بسیار جالب است و همه چاپ سنگی است. خلاصه فارسی با نشریات مربوط به فارسی و هم نشریات تاریخ شفاهی که به صورت ماکروفیلیم و ماکروفیش‌اند و همچنین نشریات مخالفین که در اروپا و امریکا منتشر گردیده‌اند در حدود ۵۰۰،۰۰۰ است. چنانکه گفتم اغلب فهرست نشده‌اند. در سال گذشته مقدار زیادی از نشریات مخالفین ماکروفیلیم نموده‌ایم. در عرض ۱۷-۱۸ سال گذشته اغلب نشریات که ایران چاپ شده‌اند وارد کتابخانه شده‌اند.

در این چند ماه گذشته نماینده کتابخانه کنگره در پاکستان اطلاع داده است که عده‌ای از افغانیها کتب از افغانستان به پاکستان آورده‌اند و می‌خواهند آنها را بفروشند. من به نماینده کتابخانه سفارش نمودم که صورتی از آنها تهیه نموده برای من بفرستد. ممکن است بعضیها کتب جالب باشد و کتابخانه ما نداشته باشد.

امیدوارم سؤال شما را جواب داده‌ام. باز تکرار می‌کنم ۵۰۰،۰۰۰ شامل کل نشریات ایرانی و نشریات زبانهای وابسته به زبان فارسی است مخصوصاً تاجیک که به خط سرلیک نوشته شده است. برای نداشتن جا اغلب نشریات مخصوصاً روزنامه‌ها را فیلم می‌کنند.

ارادتمند

۱. پورهادی

Persian Literature

A Bio-Bibliographical Survey.

Begun by the Late C.A. Storey.

Volume V Part 3 ( Appencaix II-IV)

By François de Blois.

London, The Royal Asiatic Society, 1997

چاپ فهرستنامه‌ای که کارل استوری (درگذشته در ۱۹۶۷) به نام «نوشته‌های فارسی» (نه «ادبیات فارسی» چنانکه معمولاً به موقع ترجمه نام آن می‌نویسند) از سال ۱۹۲۷ آغاز کرد زمان حیات او به پایان نرسید. میراث علمی‌اش به انجمن پادشاهی آسیایی انگلستان رسید و دانشمند متبحر کتابشناس و ادب‌شناس فرانسوا دوبلوا دنباله کار سترگ و مبتکرانه استوری را گرفت و موفق به انتشار بخشهایی از جلد پنجم شد که مختص به ادبیات منظوم است.

بلوا در پژوهشها و یادداشتهای استوری که از یکسو با گذشتن سی سال از درگذشتش کهنگی گرفته و از سویی دیگر متون زیادی انتشار یافته است و ضرورت تجدیدنظر را در این اوراق پیش آورده است با حوصله و پشتکار و مراقبت در مطلع شدن از انتشار متون تازه به حد مقدور به مرحله «روزگانی» شدن (برساخته خود را به جای «روزآمد» کتابداران آورد) می‌رساند و مرجعی را که بیگمان قرن‌ها از نخستین دستمایه‌های مطالعات ایران‌شناسی است در اختیار محققان می‌گذارد.

جزوه تازه «نوشته‌های ایرانی» که حاوی اضافات و اصلاحات و فهرست جلد پنجم است هشتاد و چند صفحه بیش نیست، اما هم مکمل مجلدات مذکور است و هم نشان دهنده کیفیت روزگانی بودن کتاب. این جزوه همراه است با چند صفحه جدا که عبارت است از فهرست مندرجات مجلد و مقدمه کوتاهی درباره کیفیت تدوین جلد پنجم و موارد اشکالی که در تنظیم و ترتیب و تألیف آن وجود دارد.

جلد پنجم خاص معرفی نوشته‌های منظوم فارسی تا هجوم مغول است (در آن سیصد و سیزده شاعر و نه منظومه بی مؤلف معرفی شده). جلد ششم که بلوا امیدوار به آغاز شدن چاپ آن است به شعر فارسی عصر مغول مربوط خواهد بود. بلوا در مقدمه کتاب، یکی از مناسبت‌های اینکه جلد پنجم را به اینجا خاتمه بخشیده است بدین نکته مرتبط دانسته است که عده‌ای از خوانندگان درخواست به دست داشتن زودتر فهرست اعلام جزوات منتشر شده را داشته‌اند. بلوا در همین مقدمه کوتاه متذکر مشکلات کار شده و نوشته است که برای تکمیل





A. Stray  
22. 8. 1947

Brent.

o کارل استوری

۱۰۳

یادداشت‌های کهنه شده استوری که محتوی بر اطلاعات به دست آمده تا زمان درگذشتش می باشد و از حیث محتوا بر معرفی نسخه‌های خطی مبتنی بر فهرستهای قدیمی نظیر ریو، آته، پرچ، فلوگل، اشپرنگرس، ناچار به تهیه یادداشت‌های نوین بوده است و مآلاً سزاوار دیده است دوگونه یادداشت قدیم و جدید را به نظام علمی و درست درآورد.

برگزیدن و آوردن نام شاعران در چنین مرجعی برای مؤلفان دشوار بوده است زیرا این کتاب به معرفی نوشته‌های فارسی (که صورت کتاب یافته باشد) اختصاص دارد. پس درین مجلد با شاعرانی که دیوان از آنها برجای نمانده است چه می باید کرد. اگر کتاب جنبه تاریخ‌پردازی می داشت طبعاً نام و یاد و شعر آن شاعر در آن جای می گرفت ولی در فهرست کتابها نمی توان از شاعری نام برد که دیوانی از او به دست نمانده است. به قول بلوا کتاب حاضر Bio-Bibliography است نه کتابی در Prosography! درینجا بلوا متعرض نکته کوچکی دیگر هم می شود که بنده تصور نمی کنم موردی داشته است. و آن دریاب شاعرانی چون باباطاهر عریان و بندار رازی است که ابیات مانده از آنها به گویش بومی است نه فارسی ادبی. تردید نکنند که شعر باباطاهر و بندار شعر زبان فارسی است و می باید در چنین مرجعی از یاد آنها غافل نماند. نکته سوم هم ذهن بلوا را به خود مشغول داشته است و آن ذکر شاعرانی است در کتابی مانند تاریخ بیهقی. ذیل نام هر یک از شاعران سه گونه اطلاعات مندرج شده است. مطالب سرگذشتنامه‌ای،

اطلاعات نسخه‌ای، گزارشهای کتابشناسانه. به گمان بلوا بخش سرگذشتنامه‌ای متن مهمترین قسمت درین مجلد از نوشته‌های فارسی است. در زمینه معرفی نسخه‌های خطی باز بلوا در بعضی از موارد دچار «سردرگمی» شده است ازین بابت که چه مقدار از نسخه‌های متاخر متعدد (که بعضی هم واقعاً از نظر استفاده متنی بی‌ارزش خواهند بود) مربوط به آثار فردوسی و حافظ و سعدی و نظامی را باید معرفی کرد. آیا معرفی همه نسخه‌های قرون یازدهم تا سیزدهم بوستان سعدی فایده‌بخش تواند بود یا فقط موجب صفحه پرکردن می‌شود. معیار و میزان را بر چه اساس باید نهاد. حق با بلواست. نکته دقیق‌تری را مطرح کرده است. طبعاً باید به این مطلب نظر داشته باشد که مراجعه کننده به «نوشته‌های فارسی» درین کتاب علمی و اساسی دنبال چه خواهد بود. البته شاید مواردی اختصاصی و احتمالی پیش آید که کسی بخواهد به چند نسخه دستنویس عوامانه دهاتی وار برای مطالعه نسخه‌های خطی از نگاه مردمشناسی دسترسی پیدا کند. به نظر من آقای بلوا نباید منظور اساسی و اصلی را فدای چنین موارد خاص بشماید.

این جزوه حاوی سه پیوست است و هر یک از آنها مقاله‌ای است بدین ترتیب:

(۱) بعضی تواریخ گاهشمارانه درباره منظومه‌های نظامی و شروانشاهان.

(۲) نزهةالمجالس شروانی و رباعیهای قدیم فارسی. معرفی جانانه‌ای است ازین متن که دکتر محمدامین ریاحی آن را به صورتی مضبوط و ارزشمند عرضه کرده است. بلوا مواردی را که از آن می‌بایست بر جزوات پیشین «نوشته‌های فارسی» بیفزاید درین مقاله آورده است.

بلوا در یادداشت مذیل بر همین مقاله یادی از کتاب ستودنی عبدالله قوچانی به نام «اشعار فارسی کاشیهای تخت سلیمان (تهران ۱۳۷۱)» کرده است.

(۳) مشکلات مربوط به دیوان‌های شاعران فارسی ازمنه قدیم.



بلوا بی‌گمان شایسته‌ترین دانشمندست برای به پایان رساندن این کار مترگ. اما او وسایل لازم ندارد. او می‌باید در راه اكمال تألیف کم مانند استوری همه تحقیقات ادبی و متون پیشینه را که در ایران چاپ می‌شود ببیند تا بتواند ذکر آنها را در کتاب بیاورد. تاکنون به همت شخصی و روابط دوستانه توانسته است به بعضی از کتابهای فارسی دست بیابد. به همین مناسبت از عبدالله قوچانی و دکتر نصرالله پورجوادی تشکر کرده است که بعضی کتابها را به او رسانیده‌اند. او به کتابخانه‌های انگلستان نمی‌تواند اتکاء کند زیرا همه کتابهای ایران را تهیه نمی‌کنند...

بنابراین ما ایرانیان اگر میل داریم که چنین کتابی هرچه بیشتر به مرحله کمال نزدیک شود برای تعالی زبان فارسی و نگاهبانی فرهنگ ملی خود می‌باید کتابها و نشریات مرتبط با مقصود را به آقای بلوا برسانیم. به همین ملاحظه نشانی ایشان را در ذیل می‌آورم:

MR. François de Blois

The Royal Asiatic Society

60 Queen's Gardens

London W2 3AF

### پایان «فهرست مقالات فارسی»

از فهرست مقالات فارسی تاکنون پنج جلد منتشر شده است. نخستین جلد در سال ۱۳۴۰ و پنجمین آن در سال ۱۳۷۴. در این پنج مجلد مشخصات ۴۰۳۳۸ مقاله و یادداشت و نوشته را که در زمینه مطالب و مطالب و تحقیقات ایرانشناسی، بوده است دربردارد.

گردآوری هر مجلد از آن کاری بوده است روزانه و تدریجی. یعنی به نظمی که مجله‌ها و مجموعه‌ها انتشار می‌یافت و به لطف ناشران آنها برای گردآورنده می‌رسید نام مقاله‌ها استخراج و تنظیم موضوعی می‌شد و حاصل آن در پایان هر پنج یا ده سال به چاپ رسیده است. به سخنی روشن‌تر آنکه بیش از چهل سال بطور یکنواخت و یکدست این کار دنبال شد و کوشش شد که این مرجع از انتشار باز نماند.

اما همانطور که در مقدمه مجلد پنجم یادآوری شد زمانه دیگر شده است و من دگر گشته‌ام. نیروی کار وفاق آرزو کاستی گرفته. جزین پراکندگی و گستردگی و شمار روزافزون مجله‌ها و نشریه‌ها و بدتر از آن نرسیدن آنها به گردآورنده موجب آن شده است که باید دست از کار کشید و دنباله گرفتن چنین کاری را اگر برای پژوهشهای ایرانی لازم و ضروری است از دیگری انتظار داشت.

مجلد ششم که مقاله‌های تا پایان سال ۱۳۷۶ را دربرخواهد داشت و بر همان رویه و روال پیشین گردآوری شده است در سال آینده به چاپ خواهد رسید و در دسترس خواهد آمد. پس با این یادداشت پایان فهرست‌نگاری «فهرست مقالات فارسی» اعلام می‌شود. این گوی و این میدان.

### مصنفات شفق

در کلک شماره‌های ۸۹-۹۳ یادی از دکتر صادق (یا حاج آقا) رضازاده شفق به میان آمد ولی فراموش شد چیزی درباره مؤلفات او گفته شود. اینک فهرست کتابهایی را که از او می‌شناسم می‌آورم.

روزنامه شفق (سال اول ۴۸ شماره و سال دوم ۴۳ شماره، تا ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۸ ق)	
	(۱۳۲۹)
جنگ جهانگیر، ما را چه باید کرد. استانبول	۱۳۳۳
تورک متفکرینک نظر انتباهنه. برلین	۱۹۲۴
راه رهایی ایران. تهران	۱۳۰۱
رسالة اقتصاد. تهران. (کلاله خاور)	۱۳۰۲
مقدمه دیوان عارف قزوینی. برلین	۱۳۰۳
شرح حال کلنل محمدتقی خان. برلین	۱۳۰۶
مضرات الكل. تهران	۱۳۱۰
یک روز از زندگانی داریوش (ترجمه)، از فردیناند یوستی (کمسیون معارف)	۱۳۱۴
تاریخ ادبیات ایران (این کتاب چاپهای متعدد دارد و بیست و چند سال کتاب عمومی ادبیات شناسی زبان فارسی بود. شفق بی‌تردید با تألیف آن خدمتی ارزشمند کرد. و حق‌ناشناسی است که آن را به چشم کمی گرفت).	۱۳۱۵
مسئولیت. تهران	۱۳۱۵
مبارزه با خرافات. تهران	۱۳۱۸
سه سخنرانی. تهران	۱۳۱۹
فرهنگ شاهنامه (وزارت فرهنگ)	۱۳۲۰
یادگار مسافرت سویس	۱۳۲۸
خاطرات مجلس - دموکراسی چیست؟ (کیهان)	۱۳۳۴
تاریخ مختصر ایران بعد از اسلام (ترجمه) از پل هرن (کتابفروشی ابن‌سینا)	۱۳۳۴
ایران در نظر خاورشناسان (کتابفروشی اقبال)	۱۳۳۵
اسکندر مقدونی (ترجمه) از هارولد لمب (کتابفروشی زوار)	۱۳۳۵
فارسی برای دبستان (با همکاری احمد کوشا و دیگران)	۱۳۳۶
تاریخ ادبیات فارسی (ترجمه) از هرمان اته (بنگاه ترجمه و نشر کتاب)	۱۳۳۷
تحقیق در فهم بشر (ترجمه) از جان لاک (دانشگاه تهران)	۱۳۳۹
نادرشاه از نظر خاورشناسان (انجمن آثار ملی)	۱۳۳۹
چند بحث اجتماعی (کتابفروشی زوار)	۱۳۴۰
کوروش کبیر (ترجمه) از هارولد لمب (ابن‌سینا)	۱۳۴۰
سرودمهر (مجموعه اشعار) (کتابفروشی ابن‌سینا)	۱۳۴۲

- ۱۳۴۴ ادیان شرق و غرب (ترجمه) از رادا کریشنان (دانشگاه تهران)
- ۱۳۴۵ اوپانیشاد (ترجمه) (بنگاه ترجمه و نشر کتاب)
- ۱۳۴۲ درسهایی از تاریخ (سخنرانیهای رادیو) (کتابفروشی زوان)

### سفر اروپای آل احمد

مرحوم جلال آل احمد در کتاب «سفر فرنگ» که برای نخستین بار به تازگی نشر شده نوشته است: «درخشش صدام کرد که «بیا برو» به جبران سگ دویهای در مهرگان (؟) یا به هر عنوان دیگر» (ص ۱۷)

چون ایشان مطلب دیگری دربارهٔ مقدمهٔ سفر خویش نگفته است و من از جریان آن سفر به مناسبت عضویت در کمیتهٔ وابسته به کمیسیون ملی یونسکو تا حدودی مطلعم، مناسب دیدم جریان را خاطره وار بنویسم، زیرا ثبت و ضبطی نکرده‌ام که به جزئیات بتوانم بپردازم.

یونسکو، پیش از آن اوقاتی که آل احمد به سفر مذکور برود (مهر ۱۳۴۱) طرحی را در کشورهای آسیای غربی و ایران به نام «تهیهٔ مواد خواندنی برای نوسوادان» به مورد اجرا گذاشته بود، به منظور آنکه کتابهایی آسان‌خوان برای تازه‌باسوادان نوشته و چاپ شود تا این گروه باسوادان به علت نبودن کتاب آنچه را آموخته‌اند فراموش نکنند. چه در بسیاری از ممالک دیده شده بود که باسواد شدگان پس از چندی که چیزی نخوانده بودند بیسواد شده بودند.

یونسکو در راه اجرای آن طرح چند کنگرهٔ سالانه از جمله در شهرهای مدراس (هند)، کندی (سیلان)، کوالالامپور (مالزی) تشکیل داد که معمولاً هیأت‌های پنج نفری از ناشران و کتابداران شرکت می‌کردند و من به آن جلسات از جانب ایران و به دعوت یونسکو رفته بودم.

یکی از مصوبات پیشنهادی کنگره‌ها که یونسکو پذیرفت دادن بورسیه‌هایی بود به نویسندگانی از کشورها که بتوانند در ممالک پیشرفته به پژوهش بپردازند و راه‌های تهیه کردن و نوشتن کتابهای مناسب برای تازه‌باسوادان و نوسوادان را بیاموزند. دو بورس درین زمینه به ایران تخصیص یافت. کمیسیون ملی یونسکو طبق مرسوم امور یونسکو مسئول تعیین افراد مناسب شد و کمیته‌ای در کمیسیون ملی مرکب از رئیس تعلیمات عالی، رئیس ادارهٔ نگارش، رئیس کتابخانهٔ ملی و دو سه نفر از دانشمندان و دبیر کمیسیون ملی برای رسیدگی به کارهای طرح مذکور تشکیل شد. برای آنکه افراد صاحب صلاحیت انتخاب شوند موضوع را به مسابقه گذاشت. از میان شرکت کنندگان در آن مسابقه نویسندهٔ نامور وقت، جلال آل احمد فرد شاخصی بود که برگزیده شد و کمیتهٔ مذکور نظر خود را دایر بر انتخاب ایشان به وزارتخانه اعلام کرد. به دنبال آن وزیر وقت فرهنگ انتخاب شوندگان را به آن سفر اعزام کرد. مقصود آن است که

مقدمات این امر تا آن حد که به یادمانده است سابقه‌ای درازتر دارد از زمانی که جناب آقای درخشش به وزارت رسید. اوراق و اسناد این انتخاب می‌باید در بایگانی کمیسیون ملی موجود باشد. شاید مقداری از جریان هم در مجله‌ای که آن ایام کمیسیون ملی به نام گزارش کمیسیون ملی به اهتمام مرحوم فریدون اردلان چاپ می‌کرد منعکس شده باشد. افسوس که فریدون اردلان درگذشته است. ورته او بر جزئیات مربوط به آن بورس آگاه بود. از دیگرانی که در آن کمیته شرکت کردند نام آقایان دکتر محمد مشایخی، دکتر جلال کسایی،... آسایی (و احتمالاً دکتر محمدامین ریاحی) به یادمانده است. آقای دکتر ذبیح‌الله صفا هم که سمت دبیرکلی کمیسیون را برعهده داشتند گاهی در آن کمیته شرکت می‌کردند.

### درگذشت ابراهیم رضائی

ابراهیم رضائی که از برجسته‌ترین ناشران و کتابفروشان ایران در شمار بود، درگذشت. نزدیک به هشتادوپنج سال زیست و پنجاه سال آن را با کوشش بسیار به چاپ کتابهای باارزش و فروش کتاب ایرانی و خارجی به همه کتابخانه‌های کشور و کتابخانه‌های مربوط به ایرانشناسی در خارج پرداخت و از یاران کتابدوستان و کتاب‌نویسان در شمار بود.

۱۰۸

رضائیانها تا آنجا که می‌دانم سه برادر بودند: محمده، محمود و ابراهیم. محمد مؤسس و صاحب کتابفروشیهای شرق و سپس کلاله خاور بود، یکی از آگاهترین و خادم‌ترین و صدیق‌ترین و مبتکرترین ناشران ایران. محمود با زمان‌خان بهنام و یکی در نفر دیگر کتابفروشی ابن‌سینا را تأسیس کرد و برادر کوچک او ابراهیم درین کتابفروشی سهیم بود و با هم کار می‌کردند تا اینکه از حدود سال ۱۳۲۵ ابراهیم آقا صاحب اختیار و یک‌تنه گرداننده ابن‌سینا شد. کتابفروشی ابن‌سینا چون در محلی مناسب (چهارراه مخبرالدوله یعنی گذرگاه عمومی به سوی بهارستان) بود از آغاز تأسیس پاتوق اهل علم و کتاب شده بود. وثوق‌الدوله و ملک‌الشعرای بهار و علی‌اکبر دهخدا ادیب‌السلطنه سمعی و نصرالله تقوی و عباس اقبال و علی‌دشتی و اقران آنها به آنجا آمد شد داشتند. در کتابفروشی می‌نشستند و به گفتگوهای ادبی می‌پرداختند.

ابراهیم رضائی در حدود سال ۱۳۳۰ طرحی نو ریخت و به موازات انتشاراتی که به نام ابن‌سینا منتشر می‌کرد قسمتی از کتابهای چاپ خود را به نام «کتابخانه سقراط» به چاپ رسانید. شهرت انتشارات ابن‌سینا به مناسبت آن بود که مؤلفان ناموری چون محمدعلی فروغی، علی‌دشتی، محمد حجازی، رشید یاسمی، دکتر شفق چاپ مؤلفات خود را به ابن‌سینا وا می‌گذارند.

انتشارات ابن‌سینا تا حدود سال ۱۳۵۰ بسیار فعال بود پس از آن به مناسبت مشکلاتی کار



۵ در مدارس هندوستان از راست به چپ: ایسرا - اشعار - شاکری - ابراهیم رضانی و جواد اقبال

۱۰۹

متوقف شد و مرحوم ابراهیم رضانی به امریکا رفت و چندین سال در آنجا اقامت کرد. پس از بازگشت دیگر دل به کار نیست و «ته انبار» کتابفروشی ابن سینا را فروخت و با یاد گذشته روزگار می‌گذرانید تا روز بهمن درگذشت. روانش شاد باد. یادش را می‌باید پایدار داشت و خدماتش را ارزش نهاد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

### درگذشت لو کنت

دفتر دائرةالمعارف اسلامی در هلند با یادداشتی که همراه دفتر شماره‌های ۱۶۲/۱۶۱ دائرةالمعارف فرستاد درگذشت ژنرال لوکنت Gérard Lecomte را که مسؤول نظارت بر چاپ فرانسوی آن دائرةالمعارف بود اعلام کرد (۱۷ آوریل ۱۹۹۷ درگذشته). او پس از شارل پلا Ch. Pellat اسلام‌شناس مشهور فرانسوی تصدی آن کار را عهده‌دار شده بود. شرق‌شناسان فعالیت او را می‌ستودند چه از کسانی بود که به کار خود دل‌بستگی و پیوستگی داشت.

### درگذشت

جُز پیرسن J.D. Pearson انگلیسی که سالهای دراز در مدرسهٔ زبانهای شرقی دانشگاه لندن کتابدار بود و فهرست مشهور و پرفایدهٔ «ایندکس ایسلامیکوس» Index Islamicus را تأسیس و

تدوین و نشر کرد. روز اول اوت ۱۹۹۷ درگذشت.

از پیرمن بجز ایندکس ایسلامیکوس کتاب ارزشمند *A Bibliography of Pre-Islamic Persia* London, 1975 (فهرست مقالات درباره ایران باستان در نشریات خارجی) که در زمینه ایرانشناسی است و کتاب مشهور دیگر به نام *Oriental Manuscripts in Europe and North America*. Zug. 1971. که در معرفی و بیان وضع مجموعه‌های نسخه‌های خطی در ممالک اروپا و امریکای شمالی است آثار ماندگار و همیشگی است.

جشن‌نامه‌ای هم برای او تهیه و چاپ شد که معرفی تفصیلی آن در مجله آینده به چاپ رسیده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی